

## ایجاد کمیسیون عالی صلح!! (ساخت کرزی)

ضیا؛ ناشر هفته نامه "افق" استرالیا



صلح، در زبان عربی به معنای آشتی، سازش، دست کشیدن از جنگ، حق خود را بخشیدن به کس دیگر. اما فارسی زبانان حین محاوره به جای صلح از واژه اصیل فارسی (آشتی) و پشتو زبانان از واژه اصیل (سوله) استفاده بیشتر میکنند. صلح یا آشتی واژه هایی اند که استفاده از آن منحصر به انسان است. جوهر صلح و آشتی را تفکر عالی، گاهی با شیرازه اخلاق و عاطفه و زمانی حس منفعت جویی می سازد. به این معنی: اگر زمانی دو پرنده یا دو چارپای باهم در گیر می شوند، هیچ ممنوع آنها به حکم تفکر یا اخلاق و یا حس منفعت جویی به صلح و یا آشتی میان شان اقدام نمی کند.

**نکته:** هرگاه انسان با استفاده از تفکر، اخلاق، تربیت ... به صلح، صلح خواهی و صلح آوری ارزش نگذارد، مقدار خود را همسنگ چارپای می سازد؛ مثل طالبان.

صلح زمانی معنی پیدا میکند که حد اقل میان دو شخص/ یک شخص و چند کس دیگر / میان دو گروه/ دو خانواده/ دو محل/ دو قوم/ دو دین ... یا دو کشور به خاطر یک یا چند موضوع، باهم ادعا داشته باشند و از اثر همان ادعا احتمال نا سازگاری، منازعه تا سرحد جنگ و عواقب ناگوار آن به وجود بیاید. درین میان هر یک از طرفین ( به حق یا ناحق) خود را مستحق وانمود می سازند. برای حل این مشکل، قبل از هر چیز تعقل و منطق سلیم، اخلاق شایسته، وجدان منزه و سایر خصلت های پسندیده انسانی لازم است. زیرا بهترین قاضی و بهترین مصلح؛ دانش متعالی، اخلاق شایسته و وجدان پاک می باشد.

(حق) ثابت است، اما ادعا؛ نسبی و تا حد کذب پیش می رود. ادعا زمانی صورت میگیرد که موضوع میان دو طرف باشد و هر یک از طرفین دعوا خود را (ذبح) معرفی کنند، تا به هدفی که در نزد شان وجود دارد، دست یابند. درین حالت نزاع، ناسازگاری، جنگ و هر چیز دیگر به گونه برزخ به وجود می آید. گذشتن ( خودی) ازین برزخ و رسیدن به مرحله صلح، مستلزم صفاتیست که در بالا متذکر شدیم. علاوه بر این، اگر اجاب کند، از شخص یا طرف مستحق، پوزش نیز خواسته می شود که این عمل شهادت می طلبد.

شاید من متوجه نشده باشم و یا محیط اخلاقی من که در افغانستان به قوام رسیده است، این طرز دید را به من داده باشد که جامعه انسانی در کل تا هنوز به این معراج نرسیده که همه انسانها و اجتماعات با (حق) زنده گی کنند. یعنی هر (فرد) یا (افراد) حق خود و دیگران را در همه امور مراعات کنند. بی شک که در هر اجتماع ( حق) توسط اشخاص به گونه ( خودی) نیز مورد توجه قرار می گیرد، اما در نزد هر کس به اندازه های متفاوت.

طوریکه در آغاز یاد کردم، صلح و آشتی دادن خاصه انسان و آنها انسان با عقل، با منطق، با اخلاق و با وجدان است. نه از حیوان. به همین دلیل در جامعه انسانی کسانی به نام قاضی، مصلح و یا نهاد ها چون؛ محاکم و مراجع تحقیق وجود دارد که حق را به حق دار برسانند و به نزاع و جدل و جنگ نقطه ختم بگذارند.

محکمه، قانون، پولیس و سارنوالی مباحث جداگانه اند، اما؛ ( صلح)، ( صلح خواهی) و ( صلح دهی) مفاهیم قابل توجهی اند که در زنده گی انسانها و جوامع بشری امروزی به حیث یک ضرورت مبرم و اجتناب ناپذیر عرض اندام کرده است.

**صلح خواهی:** این حس زمانی به وجود می آید که وجدان عدالت پسند، افکار صاحبش را به رهبری بگیرد و به طرف مقابل به جای جنگ و نزاع؛ منطق، عدالت و گذشت را پیشکش نماید. این احتمال نیز وجود دارد که به شخص، جمع یا نهاد توانایی جنگ و منازعه وجود نداشته باشد، جبراً به نحوی از راه صلح، به نزاع خاتمه داده میشود. مثال زنده آن در رژیم هفت ثور به مشاهده رسید که سر انجام گرباچوف مجبوراً، دکتور نجیب را به خاطر پیاده کردن مشی مصالحه ملی به قدرت رساند.

اماصح خواهی حکومت کرزی تا اشرف غنی با طالبان، با ماهیت مشی مصالحه ملی داکتر نجیب الله از ریشه فرق دارد. داکتر نجیب الله و همسو هایش با توجه به اهداف ستراتیژیک شان اراده صلح را با پا در میانی سازمان ملل متحد در سر داشتند و بقای شان را از طریق مصالحه با مجاهدین پیش بینی میکردند. برخلاف، نبود اراده صلح در حامد کرزی و همچنان بارانش که به نام ستون پنجم در داخل نظام در پیوند با ISI به نفع طالبان کار میکردند، اشکار بود و تا حکومت اشرف غنی احمدزی ادامه یافته است. هویداست که طالبان توسط حامد کرزی و همان ستون پنجمی ها احیا، تقویت و تداوم یافته و از برکت دهشت افگنی ها، قتل و ویرانگری های طالبان است که در سایه آن نه تنها کرزی و تیم او تا حکومت اشرف غنی احمد زی به قدرت رسیدند، از پولهای باز سازی افغانستان غارت کردند، پیوند شان با کشت و قلاچاق خشخاش و همچنان دریافت نقدینه های بی حساب خارجی در امور نظامی را زیر چتر قوم کشی به دست آوردند که از قوم شریف پشتون در پروژه طالب سازی استفاده اعظمی نمودند. قابل ذکر است؛ همچو خیانت در تاریخ پر از فراز و نشیب کشور ما بی نظیر است که دلایلش بحث جداگانه می طلبد.

ایجاد کمیسیون عالی صلح!! (ساخت کرزی):

1 - مُصلِح و مصلحه وقتی به حقیقت پیوند می خورد که فرد یا افراد و یا گروه و یا نهاد های صلح جو ، بنا بر وظیفه اخلاقی شان، بدون طمع و توقع شخصی و یا جانب داری ناحق، بصورت خود به خودی و عاری از هرگونه شایبه به منظور خیر و صلاح طرفین متنازع و وساطت میکنند و نزاع را بر مبنای حق و عدالت خاتمه می بخشند. این عرف در تمام دوره های تاریخ مدنی و در تمام جوامع بشری وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد.

اگر عرف صلح و آشتی را از افراد تا سایر تاسیسات خورد و بزرگ اجتماعی در نظر بگیریم، کمتر به مشاهده رسیده است که شخص یا اشخاص مُصلِح از سوی مدعی یا مدعی علیه به میان آمده باشند. این همان اخلاق شایسته و برخ عوامل دیگرست که آدمها به خاطر حل منازعه منصفانه و خیر اندیشانه و رفع دشمنی ها و جاگزین ساختن دوستی و محبت و در نهایت به خاطر آرام ساختن وضع ناگوارجانبین متخاصم، به آوردن صلح و آشتی اقدام میکنند. دران صورت مُصلِح یا مُصلِحین پیش از هر چیز دیگر جانب ملامت را پیدا میکنند. سپس ( اگر جمع باشند) با تشریح مساعی، شخص یا جمعی را که در پله ترازو، حق نسبی به سوی آن یا آنها سنگینی می کند، ازان دعوت به عمل آورده می شود تا به مذاکره و مصلحه منصفانه برسند. آنگاه طرف ذیحق میتواند شرط یا شرایط بخواهد و یا به مُصلِحین احترام بگذارد و حتی از حق ثابت خود صرف نظر کند و طرف مقابلش را ببخشد. با توجه به حقیقت یا فلسفه وجودی مُصلِح، مکتبی بر کمیسیون عالی صلح !! (ساخت کرزی) در افغانستان می کنیم:

ایجاد کمیسیون عالی صلح!! از بنیاد غلط و بی مفهوم بود و است. زیرا؛ تنازع میان دولت افغانستان (ظاهراً) باگروه طالبان است. هریک از طرفین در ادعای شان، خود را ذیحق میدانند. در حالیکه کمیسیون عالی صلح!! در افغانستان، مجموعه یی از زیر بیرق نشینان دولت میباشد که لقمه های چرب در حلقوم های شان به شاخی باد می شود. هرگاه این کمیسیون واقعاً مستقلانه به وجود می آمد و زیر چتر یکی از جوانب متخاصم به سر نمی برد، آنگاه یک پای گنجشک وجود می داشت.

2 - ضرب المثلی داریم؛ ( زورش به خر نمی رسد، میزند به پالان). دیده شده که طالبان از آغاز احیای مجدد شان با حملات انتحاری و تروریستی، بیشترین قربانی و ویرانی را بالای مردم افغانستان تحمیل کرده اند. در حالیکه طالبان ظاهراً اعلان جنگ به مردم افغانستان نداده اند. بنابراین؛ یکی از مهمترین و مستحق ترین طرف دعوا مردم افغانستان است که آرا و جایگاه مردم افغانستان در کمیسیون نامنهاد صلح به هیچ صورت تسجیل نشده است، اما؛ از رئیس تا اعضا و خدمه کمیسیون عالی صلح!! از طرف دولت نصب شده اند. هرگاه نهاد یا کمیسیون مشابه از طرف مردم و یا طالبان نیز وجود می داشت یک مقدار منطقی به نظر می رسید.

3 - اگر مردم و دولت افغانستان را به مثابه (شخص و اشخاص حقوقی) در نظر بگیریم، روشن است که طالبان به حیث (شخصیت حقوقی) و مردم افغانستان (شخص حقوقی و هم شخصیت حقوقی) و دولت افغانستان به حیث (شخص حقوقی) صاحب امتیاز میباشد. در قبال آن، مطمئناً که کرزی و اشرف غنی روسای جمهور، به اساس تقلب به قدرت رسیده اند و حتی مشروعیت هم ندارند. اما، نظام افغانستان در سیمای یک دولت، به نمایندگی از مردم کشور دارای امتیازات قانونی میباشد که در مقابل آن یک گروه نا هنجار، بغاوت پیشه، تروریست، ویرانگر، آله دست بیگانه و بی آدرس به نام طالب وجود دارد که به قتل، دهشت افگنی و ویرانگری متهم میباشد. این حقیقت از سوی افکار عامه، جامعه جهانی، منطقه و مردم افغانستان پوشیده نیست. به همین دلیل است که اعمال و جنایات طالبان در همه جا به نگوهر گرفته شده. به این معنی که نه تنها اکثریت مردم افغانستان بلکه، هیچ کشوری وجود ندارد که رسماً و علناً طالبان را حمایت کنند، مگر که مخفیانه و خاینانه. این مسأله به صراحت نشان می دهد که طرف ملامت طالبان می باشند. پرسش این جاست: چه کاسه ها را دولتمردان افغانستان زیر نیم کاسه ها گذاشته اند که حق صریح دولت و حق صریح مردم افغانستان را نادیده گرفته اند؟ در مقابل اشخاص یا گروه طالبان را که دولت وظیفه دارد، آنها را تار و مار کند، محکمه کند و به کیفر برساند، برخلاف کمیسویی را به نام صلح ایجاد کرده و با سیاست تضرع در مقابل جانین و قاتلان گردن خم میکند و از آنها خواهان صلح میشود.

4 - امریکا و چین دو کشور معظم دنیا که هرکدام از اعتبار فوق العاده جهانی تا جایگاه خاص در سازمان ملل متحد برخوردار دارند، اخیراً مذاکرات چار جانبه را به وساطت پاکستان در جهت صلح با طالبان طرح کردند. قرار شد به تاریخ معین این نشست در پاکستان و افغانستان صورت بگیرد، اما طالبان آن را پشت پا زد. درین زمینه نیز سوالاتی به میان می آید، به این گونه:

آیا امریکا و چین نمیدانند که طالبان یک گروه تروریست، ویرانگر و دهشت افکن می باشند؟ به کدام دلیل حاضر می شوند که آنها نیز از طالبان متواضعانه خواهان صلح شوند؟ در حالیکه موضع گیری هر چار کشور و بخصوص امریکا و چین به گونه غیر مستقیم حقانیت ادعای طالبان را تقویه میکند.

دو دیگر، امریکا و چین حق دارند به حیث دو کشور معظم دنیا در برابر طالبان اعاده حیثیت کنند. چونکه طالبان به درخواست صلح جویانه آنها وقعی نگذاشته است. بنا بران افکار عامه مردم افغانستان و افکار عامه جهان منتظر عکس العمل به ویژه امریکا و چین است که در برابر طالبان چگونه موضع گیری اتخاذ می نمایند؟

5 - اخیراً فاجعه حمله بر دفاتر رجال برجسته در پل محمود خان صورت گرفت که باعث کشته شدن و زخمی شدن بیش از پنجمصد نفر به شمول خسارات هنگفت مالی شد. آقای غنی یکبار دیگر از موضع کج دار و کج مریز با طالبان در شورای ملی افغانستان صحبت کرد. حال دیده شود که اشرف غنی با طالبان چه میکند؟ و دران سوی، امریکا و چین چه به ار مغان می گذارند؟

6 - مردم افغانستان کمیسیون عالی صلح!! را چچ و چغل کردند، از منتها به این سو معلوم شده است که این کمیسیون ساخت حامد کرزی، یک منبع فوق العاده پُر هزینه و فوق العاده پُر درآمد برای رئیس و اعضای آن بوده که هرگز به نفع افغانستان نیست. هرچه زودتر این مرجع فساد باید لغو شود. ای کاش این کمیسیون با

موجودیت اشخاص پاک در راستای از میان برداشتن مصیبت های قومی، لسانی و منطقی میان اقوام و زبانهای کشور فعالیت راستین میکرد تا دامنه نفاق و شقاق از میان مردم افغانستان برچیده می شد! ای کاش...

نظر شما چیست؟